فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره نوزدهم. بهار ۱۳۹۷، صص۲۴۹-۲۴۱ Vol 2. No 19. 2018, p 241-249
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

نقش اتلاف و تسبیب در پرداخت خسارات

خلیل الله احمدوند[۱]. کبری شهبازی[۲]
۱. استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه. ایران
۲. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه. ایران

چکیده

از قدیم الایام مرسوم بوده است که هر کس موجب زیان مالی و بدنی و شرافتی و معنوی به غیر می‌شده است مجبور به جبران و پرداخت غرامت به اندازه خسارت وارده به دیگری بوده است، و این قائده قبل از اسلام در ایران وکشورهای متمدن مرسوم بوده است. تا اینکه اسلام در سرزمین‌های اسلامی استقرار می‌یابد، و با توجه به نیازهای روز اقدام به تاسیس قاعده هایی برای توجیه اخذ غرامت از متلف می‌نماید. از جمله این قواعد، قاعده لاضرر که متلف را به جبران آن مال تلف شده ملزم می نماید. در مسئولیت جبران زیان دو نظریه تقدیر و نظریه مسئولیت وجود دارد. قانون مدنی ایران این مسئولیت را تحت دو عنوان اتلاف و تسبیب بیان نموده است. که در این مقاله سعی نگارندگان براین است که مساله فوق را توضیح، و نظریات محققین را ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی: اتلاف، متلف، جبران، خسارت، تسبیب

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

مقدمه:

امروزه بر کسی پوشیده نیست که هر کس، هرچند صغر یا مجنون، با عث تلف مال دیگری شود، چه عمد وچه غیر عمد، باید غرامت تجاوز خود و اتلاف مال دیگری را پرداخت کند. و در بعضی مواقع علاوه بر پرداخت غرامت مالی با مجازات‌های کیفری نیز روبرو می شود، مثلا در صورتی بر اثر تصادف در حال مستی راننده ای باعث خسارت به جان یا مال دیگری شود علاوه بر پرداخت غرامت به طرف با به اتهام رانندگی در حال مستی ودر کشورهای اسلامی علاوه بر اتهام مذکور به اتهام شرب خمر به مجازاتهای کیفری محکوم خواهد شد. اگر طفل صغیری ویا مجنونی ویا حیوان دیگری باعث تلف مال کسی شود، برابر قانون باید خسارت بوجود آمده جبران گردد. یکی از مهمترین بخشهای حقوق مدنی هر کشور مسائل و احکام مربوط به اتلاف وتسبیب است. به بشرح زیر مطرح می شود.

۱- تعریف اتلاف و تسبیب در قانون مدنی

هر کس موجب زیان غیر شود بنا به قاعده لاضرر ملزم به جبران آن است. در مسئولیت جبران زیان دو نظریه تقدیر و نظریه مسئولیت وجود دارد. قانون مدنی ایران این مسئولیت را تحت دو عنوان اتلاف و تسبیب بیان نموده است.

از بین بردن مال دیگری کلاً یا بعضاً بطوریکه فعل منشاء اتلاف بویسله خود فاعل به هدف هدایت شده باشد (مانند تحریک سگ درنده به دریدن لباس عابرین) یا بطور مستقیم (بوسیله آلت با بدون آلت) به هدف وارد شده باشد (مانند شکستن پنجره دیگری با سنگ یا با دست) عمد و عدم عمد و قصد و عدم قصد، نسبت به مسئولیت مدنی تلف کننده فرقی ایجاد نمی کند.

"مطابق با ماده ۳۲۸ قانون مدنی هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آنست و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است ".

در اتلاف فعل یا ترک فعل شخص مستقیماً و بدون واسطه موجب تلف مال می‌گردد، در حالیکه در تسبیب فعل یا ترک فعل شخص با واسطه امری موجب تلف مال میشود. اتلاف در موردی است که شخص بطور مستقیم مال دیگری را تلف می کند. (کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد، ص، ۲۰۵)

در اتلاف همین که رابطه علیت عرفی بین کار شخص وتلف موجود باشد، برای فاعل ایجاد مسئولیت می‌کند و لزومی ندارد تقصیر او نیز احراز شود. حتی ممکن است اتلاف به غیر عمد صورت گیرد و مسئولیت به بار آورد. (همان منبع، صف۲۰۵)

صدمه زدن به جان ومال دیگران خود تقصیر است. (لوکرک دادستان کل بلژیک)

در تسبیب شخص بطور مستقیم مباشر تلف کردن نیست، ولی مقدمه تلف آن را فراهم می کند. یعنی کاری انجام می دهد که نتیجه آن کار یا همراه با علتهای دیگر تلف واقع می شود. (ناصر کاتوزیان، الزامات

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

خارج از قرارداد، ص، ۲۰۷). لازم بودن تقصیر در قانون بصراحت نیامده. اما در بعضی مثالها مسئولیت را منوط به خطای مسبب اعلام نموده اند. ماده ۳۳۴مقرر می دارد. "مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می شود، مگر این که در حفظ آن تقصیر کرده باشد".

۲-تفاوت های اتلاف وتسبیب

۲-۱در اتلاف تقصیر شرط مسئولیت نیست، ولی در تسبیب، کاری که به مسبب نسبت داده میشود، باید در نظر عرف عدوانی و خطا باشد.

۲-۲-در اتلاف شخص بطور مستقیم وبی آنکه واسطه ای در کار باشد، مال دیگری را تلف می‌کند. ولی در تسبیب، برای اتلاف مقدمه سازی می شود واحتمال دارد که آن مقدمه نیز هیچگاه به اتلاف منجر نشود.

۲-۳-اتلاف تنها با انجام دادن کاروفعل مثبت تحقق می پذیرد ف در حالی که تسبیب ممکن است نتیجه انجام دادن کاری یا خودداری از انجام کاری باشد. (کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد، ص، ۲۰۸).

۳-اجتماع سبب ومباشر

اگر تلف در اثر همکاری مسبب ومباشر منجر به تلف گردد، مباشر مسئول است. ماده ۳۳۲ مقرر میدارد"هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند ودیگری مباشر تلف آن مال شود، خود مباشر مسئول است ونه مسبب، مگر اینکه سبب اقوا از باشد، به نحوی که عرفا اتلاف مستند به او باشد. "

مثال ماده ۱۲۱۵قانون مدنی نیز به این موضوع صراحتا اشاره دارد، "هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز ویا مجنون بدهد ف صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف آن مال نخواهد بود"

ماده ۳۶۳ق. م. ا. قدیم مقرر میداشت که " در صورت اجتماع مباشر وسبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوا از مباشر باشد".

٤- عناصر مشترک اتلاف و تسبیب:

گاهی به منظور جبران ضرر نامشروع یا خطری که برای دیگران ایجاد شده است مسولیت مدنی به وجود میاید که برای تحقق مسولیت وجود سه عنصر ضرورت دارد.

۴-۱-وجود ضرر۲-۴ ارتکاب فعل زیان بار ۳-۴ رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که واد شده است (کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ص ۲۱۷).

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

۵-وجود ضرر:

مستند به ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی"در صورتی حکم خسارت می‌دهد که مدعی خسارت ثابت کند که ضرر به او وارد شده است" بدین وسیله ضرر در مرحله ثبوت نیز موضوع حق مورد مطالبه است و نباید آن را از لوازم داشتن نفع در اثباط حق شمرد. (مازو و شاباس، تعهدات، ش ۴۰۸). موضوع مسولیت مدنی مجازات مرتکب تقصیر نیست، جبران خسارت ناشی از آن است. (کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد، ص۲۱۹).

٦- مفهوم ضرر و اقسام آن:

مفهوم ضرر یعنی اینکه نقصی در اموال به وجود آید و یا اینکه منفعت مسلمی از دست برود و یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه ای وارد شود در این صورت می گویند ضرر به بار آمده است.

قوانین و نویسندگان حقوق زیان هایی را که برای جبران آن مسولیت مدنی ایجاد می شود به دو گروه متمایز تقسیم کرده اند ۱-مادی ۲-معنوی (کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ص ۲۱۹).

۷-زیان معنوی

زیان معنوی را می توان به دوگروه تقسیم کرد:

۱- زیانهای وارده به حیثیت وشهرت

۲- لطمه به عواطف وایجاد تالم وتاثر روحی شخص، با از دست دادن عزیزان خود یا ملاحظه درد ورنج آنان. (کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ص۲۲۱)

۸- ضررمادی

۸-۱-ضرر ناروا و قابل جبرا:

ماده یک قانون مسئولیت مدنی مقرر میدارد:"هر کس بدون مجوز قانونی. . . موجب ضررمادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد". باید در نظر گرفت که سود و زیان با هم هستند از یک معامله و یا کاری ممکن است فردی سود ببرد ودیگری متضرر شود و برای طرفین ایجاد مسئولیت نکن ولی مصداق‌هایی وجود دارد که زیان رسان باید خسارت پرداخت کند که مواردی از آنها را بشرح ذیل مختصرا شرح می‌دهیم.

۸-۱-۱-ضرر ناشی از تضییع حق:

در رابطه با ضررناشی از تلف یا نقص اموال مادی وجبران خسارات وارده به دشواری خاصی بر نمی‌خوریم ولی اگر فردی کاری را انجام دهد که دیگری از منافعی محروم شود، آیا باید ثابت کند که به حق قانونی

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

اولطمه وارد شده، یا نیازی به اثبات ندارد ومی تواند منافعی را که در نتیجه برهم خوردن موقعیت عملی خود از دست داده به عنوان ضررمطالبه کند؟ فرض کنیم فردی سرپرستی یک معلول را بعهده دارد، سرپرست براثر سهل انگاری ثالثی فوت می کند وباتوجه به اینک متوفا انفاق کننده فرد معلول است، آیا معلوم می تواند به استناد موقعیت خود از ثالث خسارت بخواهد؟ از نظر منطق ورعایت عدالت، هیچ تفاوتی بین این شخص وکسی که پسر یاشوهر خود را از دست داده است وجود ندارد، هر دو زیان دیده اند و نفعی که از آن محروم شده اند در هر دو مورد مشرع واخلاقی است، ولی قانون مسئولیت مدنی خسارت کسی را که حق قانونی او مورد تجاوز قرار نگرفته است ضرر قابل مطالبه نمی شناسد ومحروم ماندن از احسان را برای طرح دعوا کافی نمی داند. (کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ص۲۲۳).

۱-۲-۸-لزوم مشروع بودن واستقرار موقعیت عملی

از دست دادن نفعی را می توان ضرر بحساب آورد که مشروع باشد واین قاعده در مورد زیانهای معنوی نیز رعایت می‌شود. (کاتوزیان، ناصر، ص۲۲۴) موقعیت از دست رفته باید دائمی باشد وبرای امتیازهای موقتی نمی توان ادعای خسارت کرد.

۹- قاعده اتلاف از دیدگاه فقه شیعه

از دیدگاه فقه شیعه، موجبا ضمان قهری سه چیز است: ضمان ید، اتلاف و تسبیب، در این مقاله تلاش خواهد شد اتلاف و احکام مربوط به آن به طور مختصر توضیح داده شود. همانطور که گفته شد، اتلاف از موجبات ضمان به شمار می رود و همانند سایر قواعد، ابتدا به ذکر مستندات آن می پردازیم.

۱۰- مستندات قاعده

الف) کتاب

مستند این قاعده در کتاب، این آیه شریفه است که بعضی از قدما، از جمله شیخ طوسی در مبسوط (المبسوط، ج۳، ص ۵۹. نظیر این جمله توسط ابی بصیر از حضرت صادق (ع) نقل شده است. (ر. ک: وسائل الشیعه، ج۸، ص ۶۱۰)/به آن اشاره کرده اند: « فَمَن اعتَدی عَلَیکم فَاعتَدوا علیهِ بِمِثلِ مَا اعتدی علیکم. . . »: [ه - جواهرالکلام، ج ۳۷، ص ۶۰.) ر کس به شما تجاوز کرد پس بر او به مانند آنچه بر شما تجاوز کرده است تجاوز کنید.

تردید نیست که اتلاف مال دیگری بدون اذن صاحب آن، از مصادیق تجاوز بر دیگری محسوب می‌شود. مستفاد از آیه شریفه فوق دو چیز است: اولاً اعلام جواز با به تعبیر دیگر، جعل حق مواخذه و مطالبه برای طرفی که مورد تعدی و تجاوز گرفته است و ثانیاً این که مورد مطالبه می‌تواند مقابله به مثل باشد، که در این حکم قرآنی، « مثل بگیرد»، کنایه از آن است که اگر مثلی باشد، مثل و اگر قیمتی باشد قیمت گرفته

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

شود. به بیان فوق، در این آیه، حکم واضحی وجود دارد مبنی بر این که هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن آن است، یعنی آیه در مقام جعل حق و بیان حکم وضعی است. البته از سوی بعضی از فقها، استدلال برای ضمان به آیه فوق مورد خدشه و مناقشه قرار گرفته است.

ب) روایات

شیخ طوسی در مبسوط روایتی از عبدالله بن مسعود از رسول اکرم (ص) نقل کرده که آن حضرت (ص) فرموده است: «حرمه مال المسلم کحرمه دمه»، یعنی احترام مال مسلمان، مانند احترام خون او است. اگر اهمیت مال مسلمان مانند خون او باشد، چنانچه مقداری از آن تلف شود، موجب ضمان خواهد بود.

روایات دیگری نیز در کتب فقهی، مستند این قاعده قرار گرفته است. علاوه بر این، فقها جمله «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» (هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن است) را یک حدیث منقول از معصوم (ع) تلقی کرده اند. هر چند این عبارت در کتب حدیثی دیده نمی شود، ولی از چنان شهرتی برخوردار است و آن چنان مورد استفاده فقها قرار گرفته که در حدیث بودن آن تردیدی باقی نمی ماند و در بسیاری نصوص دیگر نیز کلماتی حاکی از مضمون این جمله وجود دارد. به هر حال، جمله فوق به صورت یک قاعده درآمده است. برای روشن شدن بیشتر حدیث، کلمات آن مختصر توضیح داده می‌شود.

یک) اتلاف: اتلاف بر دو قسم است: اتلاف حقیقی و اتلاف حکمی. «اتلاف حقیقی» آن است که شخصی مال دیگری را به کلی از بین ببرد، مثلاً لباس یا فرش او را بسوزاند یا خانه اش را خراب کند؛ ولی در «اتلاف حکمی» نفس مال از بین نمی رود، بلکه با بقای اصل مال، مالیت آن نابود می شود، مانند این که شخصی یخ و برف متعلق به دیگری را در فصل تابستان در مکانی مخفی کند و در زمستان آن را اظهار و به صاحبش برگرداند. در اینجا، هر چند مرتکب، عین یخ و برف را نابوده نکرده (اتلاف حقیقی) ولی چون آن را از مالیت و ارزش انداخته، مرتکب اتلاف حکمی شده است.

بعضی از فقها قاعده اتلاف را شامل هر دو گونه اتلاف دانسته اند، اما به نظر بسیاری از فقیهان، اتلاف مال، شامل اتلاف حکمی نمی شود. البته نباید تصور کرد که نوع دوم به نظر دسته اخیر فقها باعث ضمان نیست، بلکه عرض این است که به نظر آنان اتلاف حکمی مشمول این قاعده نیست. آنان در این مورد بهادله دیگری تمسک می‌کنند و مثلاً می‌گویند: آیه « فَمَن اعتدی. . . » (بعضی از فقها قاعده اتلاف را شامل هر دو گونه اتلاف دانسته اند، اما به نظر بسیاری از فقیهان، اتلاف مال، شامل اتلاف حکمی نمی‌شود. البته نباید تصور کرد که نوع دوم به نظر دسته اخیر فقها باعث ضمان نیست، بلکه عرض این است که به نظر آنان اتلاف حکمی مشمول این قاعده نیست. آنان در این مورد بهادله دیگری تمسک می کنند و مثلاً می‌گویند: آیه «فَمَن اعتدی. . . »(. بقره، ۱۹۰)بیان کننده ضمان عدوان یا اعتدا است و موارد اتلاف حکمی، مشمول ضمان مزبورند. (بعضی از فقها قاعده اتلاف را شامل هر دو گونه اتلاف دانسته اند، اما به نظر بسیاری از فقیهان، اتلاف مال، شامل اتلاف حکمی نمی شود. البته نباید تصور کرد که نوع دوم به نظر دسته اخیر فقها

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

باعث ضمان نیست، بلکه عرض این است که به نظر آنان اتلاف حکمی مشمول این قاعده نیست. آنان در این مورد بهادله دیگری تمسک می کنند و مثلاً می گویند: آیه « فَمَن اعتدی. . . » بیان کننده ضمان عدوان یا اعتدا است و موارد اتلاف حکمی، مشمول ضمان مزبورند.

دو) مال: مال در فقه به این شرح تعریف شده است: «المال ما یبذل بازائه المال»: یعنی مال چیزی است که در مقابل آن مال بدهند. این تعریف فقهی مال است:

ولی گروهی از فقها عقیده دارند که در این تعریف، دیر وجود دارد، زیرا در تعریف مال آمده است: مال چیزی است که به ازای آن مال داده شود. پس تعریف، مبتنی بر تعریف خود مال استو

به نظر می رسد بهتر است در تعریف مال گفته شود: مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم نیازهای آنان را برطرف می کند.

بخشی از اموال مانند اغذیه و لباس مستقیما نیاز انسان ها را رفع کنند و لذا مالیت و ارزش آن ها تکوینی و واقعی است؛ و دسته دیگر مستقیماً رفع نیاز نمی کند ولی وسیله رفع نیاز هستند، مانند ئول که به خودی خود رافع نیازی نیست، بلکه با اموال دیگر مبادله می شود و به واسطه آن ها رفع نیاز می‌کند و ارزش اعتباری دارد. به همین علت وقتی گفته می‌شود که مثلاً فلان سری اسکناس فاقد اعتبارا ست، با وصف موجود بودن اسکناس، چون قدرت قراردادی و اعتباری اسکناس ها سلب گردیده ارزشی نخواهند داشت.

سه) ضامن: وقتی چیزی تلف می شود، وجود اعتباری اش در عهده متلف قرار می‌گیرد و این، معنای ضمان واقعی است. عقیده فقها بر این است که هر کس بدون اجازه صاحب مال، مال او را از بین ببرد، آن مال با وجود اعتباری خود درعهده متلف قرار می‌گیرد، هر چند که تحت ید او هم نباشد و باید با پرداخت متل در مثلیات و قیمت در قیمیات از عهده آن برآید.

ج- اجماع

در اصل ضمان ناشی از اتلاف، فقها اجماع دارند؛ هر چند ممکن است در خصوص موارد و مصادیق آن، اختلاف نظر وجود داشته باشد. البته ارزش این گونه اجماعات از نظر فقهی محل تردید و مناقشه است، چرا که امکان دارد روایات مورد اشاره مستند آن باشند و بنابراین اجماع از اقسام «اجماع مستند یا مدرکی» به حساب آید و از درجه اعتبار ساقط گردد. (ر. ک: نگارنده، اصول فقه، دفتر دوم، مبحث اجماع، ص ۱۰۲-۹۱).

نتیجه:

امروزه حقوقدانان به این نتیجه رسیده اند که هر شخصی در اجرای حق خود مرتکب تقصیر چه مادی وچه معنوی شود با ید خسارات طرف مقابل را جبران کند. صاحب حق نباید در همه حال در چگونگی استفاده از حق خود، خود را آزاد بینگارد، واز آزادی خود سوء استفاده کرده، که این سوء استفاده وآزادی

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

نامحدود باعث ضرر به غیر شود، زیرا سوء استفاده از حق نوعی تقصیر بوده ودر صورتی ناروا به دیگری ضرری وارد کند با ید تاوان پرداخت کند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

فهرست منابع و مآخذ

ـ دکتر ناصر کاتوزیان
ـ لوکرک، دادستان کل بلژیک
ـ وسائل الشیعه
ـ سوره بقره، آیه ۱۹۰
ـ جواهرالکلام،

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]